

CURRENCY WAR



GLOBAL INSTABILITY

چهاردهمین شماره نشریه نوسان
نشریه انجمن علمی دانشجویی اقتصاد دانشگاه صنعتی شاهرود
ویژه نامه جنگ رمضان
شماره دوم



به نام خداوند بخشنده و مهربان

تضعیف جهانروایی دلار؛ علت و علل حملات پیش‌دستانه آمریکا و همپیمانانش به ایران

نویسنده: محسن فرخنده عمل اقدم

۱- تاریخچه مختصر نظام‌های ارزی

نظام پایه طلا از اواخر قرن نوزدهم تا جنگ جهانی اول به‌عنوان نظام غالب پولی جهان عمل می‌کرد. در این نظام، ارزش پول ملی هر کشور مستقیماً به مقدار مشخصی طلا پشتوانه می‌شد و کشورها متعهد بودند اسکناس‌های خود را با طلا تبدیل کنند (Eichengreen & Flandreau, 1997). این نظام ثبات نرخ ارز و انضباط پولی ایجاد می‌کرد، اما انعطاف‌پذیری سیاست‌های پولی را محدود می‌ساخت (Bordo & Kydland, 1995). جنگ جهانی اول و نیاز به تأمین مالی جنگ، بسیاری از کشورها را مجبور به تعلیق پایه طلا کرد.

پس از جنگ جهانی اول، تلاش‌هایی برای بازگشت به پایه طلا صورت گرفت، اما این بار با موفقیت محدود همراه بود. بحران اقتصادی بزرگ دهه ۱۹۳۰ و رکود جهانی، نظام پایه طلا را به‌طور کامل فروپاشید. کشورها به‌طور یکجانبه ارزش پول خود را کاهش دادند و به جنگ‌های ارزی روی آوردند که بی‌ثباتی اقتصادی را در سطح جهان تشدید کرد (Irwin, 2012). در سال ۱۹۴۴، نمایندگان ۴۴ کشور در کنفرانس برتون وودز نظام پولی جدیدی را طراحی کردند. در این نظام، دلار آمریکا به طلا (۳۵ دلار به ازای هر اونس) پشتوانه شد و سایر ارزها به دلار متصل شدند. صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی برای نظارت و حمایت از این نظام تأسیس شدند. این نظام تا اوایل دهه ۱۹۷۰ ثبات نسبی ایجاد کرد، اما کسری تراز پرداخت‌های آمریکا و افزایش عرضه دلار، اعتماد به تبدیل‌پذیری دلار به طلا را بین کشورها تضعیف کرد (Triffin, 1960).

در سال ۱۹۷۱، رئیس‌جمهور نیکسون به‌طور یکجانبه تبدیل‌پذیری دلار به طلا را تعلیق کرد، که عملاً پایان نظام برتون وودز بود (Gowa, 1983). پس از آن جهان به نظام نرخ ارز شناور روی آورد که در آن ارزش ارزها توسط بازار تعیین می‌شود که در این نظام، پول‌ها دیگر پشتوانه فیزیکی ندارند و ارزش آن‌ها بر اساس اعتماد به سیاست‌های پولی و اقتصادی دولت‌ها تعیین می‌شود.

دلار آمریکا پس از فروپاشی نظام برتون وودز در سال ۱۹۷۱، نه تنها موقعیت خود را به‌عنوان ارز ذخیره جهانی حفظ کرد، بلکه نفوذ آن گسترش یافت. این سلطه از طریق سه مکانیسم اصلی اعمال می‌شود: استفاده گسترده در تجارت بین‌الملل، قیمت‌گذاری کالاهای اساسی به دلار و غلبه دلار در بازارهای مالی جهانی (Eichengreen, 2011). هژمونی دلار به آمریکا امتیاز ویژه‌ای می‌دهد که اقتصاددان فرانسوی والری ژیسکار دستن آن را "امتیاز گزاف" نامید. این امتیاز به آمریکا اجازه می‌دهد با هزینه پایین‌تری استقراض کند، کسری تراز پرداخت‌های بزرگ را تأمین مالی نماید و از ابزار تحریم مالی علیه رقبای استفاده کند (Cohen, 2015).

مهم‌ترین رکن تسلط دلار بر تجارت جهانی، سیستم پترودلار است. پس از بحران نفتی ۱۹۷۳، آمریکا با عربستان سعودی توافق کرد که نفت صرفاً به دلار قیمت‌گذاری و معامله شود (Spiro, 1999). این توافق که سپس به سایر اعضای اوپک گسترش یافت، تقاضای جهانی برای دلار را به‌صورت ساختاری تضمین کرد، زیرا هر کشوری برای خرید نفت ناگزیر از نگهداری دلار بود (Petersen, 2009).

قیمت‌گذاری نفت به دلار پیامدهای عمیق ژئوپلیتیکی دارد. هر کشوری که بخواهد از این سیستم خارج شود، با فشار شدید آمریکا مواجه می‌شود. عراق در سال ۲۰۰۰ اعلام کرد نفت خود را به یورو می‌فروشد و لیبی نیز پیشنهاد ایجاد دینار طلایی آفریقایی را داد؛ هر دو کشور متعاقباً با مداخله نظامی مواجه شدند (Clark, 2005). ایران نیز با راه‌اندازی

بورس نفتی به غیر از دلار، یکی از دلایل تشدید فشار آمریکا را بر خود فراهم آورد (Mossavar-Rahmani, 2016). در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای کاهش وابستگی به دلار آغاز شده است. چین و روسیه معاملات انرژی خود را به یوان و روبل انجام می‌دهند (Liao & McDowell, 2015). کشورهای عضو بریکس نیز در حال بررسی ایجاد یک ارز مشترک یا استفاده از ارزهای ملی در تجارت دوجانبه هستند (Stuenkel, 2020). با این حال، اکثر اقتصاددانان معتقدند که جایگزینی دلار در کوتاه‌مدت بعید است، زیرا عمق بازارهای مالی آمریکا و اعتماد به دلار به‌سادگی قابل جایگزینی نیست.

۲- پیمان‌های تجاری؛ زنگ خطری برای امتیاز گزاف

پیمان‌های تجاری توافقاتی هستند که میان دو یا چند کشور برای تنظیم و تسهیل روابط تجاری منعقد می‌شوند. این پیمان‌ها در سه سطح اصلی دسته‌بندی می‌شوند:

(الف) موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد FTA: کاهش یا حذف تعرفه‌ها میان اعضا

(ب) اتحادیه‌های گمرکی: تعرفه خارجی مشترک علاوه بر آزادسازی داخلی (مانند اتحادیه اروپا)

(ج) بازارهای مشترک: آزادی حرکت کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار

سازمان تجارت جهانی (WTO) چارچوب چندجانبه‌ای برای تنظیم این پیمان‌ها فراهم می‌آورد، اما در دو دهه اخیر به دلیل بن‌بست مذاکرات، پیمان‌های دوجانبه و منطقه‌ای رشد چشمگیری داشته‌اند.

اهداف اقتصادی پیمان‌های تجاری را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد. نخست افزایش رفاه از طریق تخصیصی‌سازی

است؛ بر اساس نظریه مزیت نسبی دیوید ریکاردو در سال ۱۸۱۷ میلادی، تجارت آزاد هر کشور را قادر می‌سازد در تولید

کالایی که هزینه فرصت کمتری دارد تخصص یابد. دوم ایجاد بازارهای بزرگ‌تر است که به شرکت‌ها امکان می‌دهد از

صرفه‌های مقیاس بهره‌مند شوند. سوم، جذب سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم است؛ پیمان‌های تجاری با کاهش ریسک و

افزایش پیش‌بینی‌پذیری، جریان سرمایه خارجی را تقویت می‌کنند.

فراتر از اهداف اقتصادی، پیمان‌های تجاری ابزار مهمی در سیاست خارجی هستند. آمریکا از پیمان‌هایی مانند TPP مشارکت

فراپاسیفیک برای مهار نفوذ چین در آسیا استفاده کرد. اتحادیه اروپا از پیمان‌های تجاری به عنوان ابزاری برای گسترش

هنجارها و استانداردهای حقوقی خود (قدرت نرم) بهره می‌برد. چین نیز از طریق ابتکار کمربند و جاده مشارکت اقتصادی

جامع منطقه‌ای در حال ساختن حوزه اقتصادی خود در آسیا و آفریقا است.

پیمان‌های انرژی نوع خاصی از توافقات تجاری هستند که مستقیماً با نظام ارزی پیوند دارند. توافقاتی گازی میان روسیه و

اروپا، قراردادهای نفتی چین با کشورهای خلیج فارس و خطوط لوله انرژی همگی ابزارهایی هستند که کشورها از طریق آن‌ها

وابستگی اقتصادی ایجاد می‌کنند. هر جابجایی در پیمان‌های انرژی، مستقیماً بر تقاضا برای ارزهای مختلف تأثیر می‌گذارد؛ به

همین دلیل، تصمیم عربستان در سال ۲۰۲۳ برای پذیرش یوان در معاملات نفتی با چین، واکنش شدید واشنگتن را در پی

داشت.

۳- سیر تضعیف هژمونی دلار

در نظام برتون وودز، دلار آمریکا به‌عنوان تنها ارز قابل تبدیل به طلا، نقش محوری در تجارت بین‌الملل یافت. در اواخر دهه

۱۹۶۰، حدود ۸۵ درصد از ذخایر ارزی رسمی جهان به دلار نگهداری می‌شد (Eichengreen, 2011). این سلطه ناشی از

برتری اقتصادی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و نیاز کشورها به دلار برای بازسازی اقتصادی بود. در این دوره، بیش از ۷۰

درصد از تجارت جهانی به دلار صورت می‌گرفت (Goldberg & Tille, 2008).

پس از اعلام پایان تبدیل‌پذیری دلار به طلا در سال ۱۹۷۱، پیش‌بینی‌ها حاکی از کاهش نقش دلار بود، اما برخلاف انتظار،

سهم دلار در معاملات جهانی نه تنها کاهش نیافت، بلکه تقویت شد. در دهه ۱۹۸۰، با توافق پتrodollar و تثبیت نقش دلار در

بازار نفت، حدود ۷۵-۸۰ درصد از معاملات کالاهای اساسی و ۶۰-۶۵ درصد از کل تجارت جهانی به دلار انجام

می‌شد (Krugman, 1984).

با راه‌اندازی یورو در سال ۱۹۹۹، برای نخستین بار یک رقیب جدی برای دلار ظهور کرد. سهم دلار در ذخایر ارزی جهانی از حدود ۷۱ درصد در سال ۱۹۹۹ تقریباً به ۶۴ درصد در سال ۲۰۰۸ کاهش یافت. با این حال، در معاملات تجاری، دلار همچنان غالب بود و حدود ۶۵-۷۰ درصد از صورتحساب‌های تجاری جهانی به دلار صادر می‌شد. در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از تحریم‌های گسترده آمریکا علیه روسیه در سال ۲۰۲۲، تلاش‌هایی برای کاهش وابستگی به دلار آغاز شده است. سهم دلار در ذخایر ارزی جهانی به ۵۸ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافت (IMF, 2024). چین و روسیه حدود ۹۰ درصد از معاملات دوجانبه خود را به ارزهای ملی انجام می‌دهند (Liao & McDowell, 2015). کشورهای بریکس نیز در حال افزایش استفاده از ارزهای ملی در تجارت هستند. کاهش استفاده از دلار در معاملات جهانی، مستقیماً امتیاز گزاف آمریکا را تهدید می‌کند. همانطور که گفته شد این امتیاز به آمریکا اجازه می‌دهد با نرخ بهره پایین‌تر از سایر کشورها استقراض کند و کسری تراز پرداخت‌های بزرگ را بدون بحران ارزی تأمین مالی نماید (Eichengreen, 2011). کاهش تقاضا برای دلار منجر به افزایش هزینه استقراض دولت آمریکا و کاهش توان تأمین مالی کسری بودجه خواهد شد (Prasad, 2014).

۴- جلوگیری از بربادرفتن امتیاز گزاف توسط آمریکا

یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی آمریکا، تحریم‌های مالی مبتنی بر سیستم دلاری است. از آنجا که اکثر معاملات بین‌المللی از طریق بانک‌های آمریکایی یا سیستم SWIFT که تحت نفوذ آمریکاست انجام می‌شود، واشنگتن قادر است کشورها و نهادهای خاص را از سیستم مالی جهانی منزوی کند (Zarate, 2013). کاهش وابستگی به دلار، این قدرت را تضعیف می‌کند. پس از تحریم‌های ۲۰۲۲ علیه روسیه، کشورهای زیادی به دنبال ایجاد سیستم‌های پرداخت جایگزین هستند. چین با سیستم CIPS و روسیه با SPFS در حال ایجاد زیرساخت‌های مستقل از دلار هستند. کاهش تقاضای جهانی برای دلار می‌تواند منجر به کاهش ارزش دلار و افزایش نوسانات آن شود. مطالعات نشان می‌دهند که کاهش ۱۰ درصدی سهم دلار در ذخایر ارزی جهانی می‌تواند به کاهش ۵ تا ۱۰ درصدی ارزش دلار منجر شود (Frankel & Chinn, 2007). این امر تورم وارداتی را در آمریکا افزایش می‌دهد و قدرت خرید مصرف‌کنندگان آمریکایی را کاهش می‌دهد (Gopinath et al., 2020). همچنین، نوسانات بیشتر نرخ ارز، عدم قطعیت را برای شرکت‌های آمریکایی افزایش می‌دهد و هزینه پوشش ریسک ارزی را بالا می‌برد. کاهش نقش دلار، ساختار بازارهای مالی جهانی را دگرگون می‌کند. در حال حاضر، بازارهای اوراق خزانه‌داری آمریکا عمیق‌ترین و نقدشونده‌ترین بازارهای جهان هستند و به‌عنوان دارایی امن در زمان بحران عمل می‌کنند. کاهش تقاضا برای این اوراق، نقدشوندگی آن‌ها را کاهش می‌دهد و ممکن است در زمان بحران‌های مالی، فروش گسترده این اوراق منجر به بی‌ثباتی شود. همچنین، کاهش نقش دلار به تقویت بازارهای مالی رقیب مانند یوان و یورو منجر می‌شود که می‌تواند جریان سرمایه را از آمریکا به سایر مراکز مالی منحرف کند (Cohen, 2015). آمریکا از تحریم‌های مالی به‌عنوان ابزاری برای حفظ نفوذ دلار استفاده می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهند که استفاده گسترده از تحریم‌ها، کشورها را به جستجوی جایگزین‌های دلار ترغیب می‌کند. پس از تحریم‌های ۲۰۲۲ علیه روسیه، بسیاری از کشورها به دنبال کاهش وابستگی به دلار شدند. تحریم‌های متعدد موجب کاهش اعتماد جهانی به دلار شده است. آمریکا همچنین با رقبای ارزی خود مانند یوان چین و یورو به‌صورت استراتژیک مقابله می‌کند. بازار انرژی یکی از ستون‌های اصلی سلطه دلار است. آمریکا در تلاش است که همچنان نقش دلار در معاملات نفت و گاز را حفظ کند. سیستم پترودلار که از دهه ۱۹۷۰ با عربستان سعودی تثبیت شد، برای این امتیاز گزاف بسیار حیاتی است. آمریکا روابط خود با تولیدکنندگان بزرگ نفت مانند عربستان سعودی و امارات را تقویت می‌کند و از تلاش‌های آن‌ها برای فروش

نفت به ارزهای دیگر جلوگیری می کند.

ایالات متحده آمریکا برای حفظ این امتیاز گزاف از هیچ حرکت و سیاستی فروگذار نکرده است. در راستای رقابت با چین بسیار نیازمند به انجام معاملات جهانی با دلار آمریکا می باشد. کشورهایی مانند عراق و لیبی که هدف خود را ایجاد ارز جدید برای معاملات نفتی قرار دادند به دلایلی که پس از مدتی مشخص شد بهانه ای بیش نبوده است مورد تجاوز قرار گرفتند. یکی از تلاش های جدی آمریکا جلوگیری از قدرت گرفتن پیمانهای همچون بریکس و شانگهای می باشد و تعجبی نیست در این مسیر از ابزارهایی همچون تحریم و جنگ که فشار آن مستقیم بر دوش مردمان هر کشور می باشد بهره جوید و سپس این ظلم را به اسم بسته نجات در ذهن برخی از افراد جامعه جای بیندازد.

منابع

- Eichengreen, B., & Flandreau, M. (1997). **The Gold Standard in Theory and History**. Routledge.
- Bordo, M. D., & Kydland, F. E. (1995). The gold standard as a rule: An essay in exploration. **Explorations in Economic History**, 32(4), 423-464.
- Irwin, D. A. (2012). *Trade policy disaster: Lessons from the 1930s*. MIT Press.
- Triffin, R. (1960). **Gold and the Dollar Crisis: The Future of Convertibility**. Yale University Press.
- Gowa, J. (1983). **Closing the Gold Window: Domestic Politics and the End of Bretton Woods**. Cornell University Press.
- Eichengreen, B. (2011). **Exorbitant Privilege: The Rise and Fall of the Dollar**. Oxford University Press.
- Cohen, B. J. (2015). **Currency Power: Understanding Monetary Rivalry**. Princeton University Press.
- Spiro, D. E. (1999). **The Hidden Hand of American Hegemony: Petrodollar Recycling and International Markets**. Cornell University Press.
- Petersen, T. (2009). The petrodollar system and its implications. **Review of International Political Economy**, 16(3), 400-424.
- Clark, W. R. (2005). **Petrodollar Warfare: Oil, Iraq and the Future of the Dollar**. New Society Publishers.
- Mossavar-Rahmani, B. (2016). Iran's oil and gas industry. **Energy Policy**, 89, 1-12.
- Liao, S., & McDowell, D. (2015). Redback rising: China's bilateral swap agreements and renminbi internationalization. **International Studies Quarterly**, 59(3), 401-422.
- Stuenkel, O. (2020). **The BRICS and the Future of Global Order**. Lexington Books.
- Goldberg, L. S., & Tille, C. (2008). Vehicle currency use in international trade. **Journal of International Economics**, 76(2), 177-192.
- Krugman, P. (1984). The international role of the dollar: Theory and prospect. In **Exchange Rate Theory and Practice** (pp. 261-278). University of Chicago Press.
- Prasad, E. (2014). **The Dollar Trap: How the U.S. Dollar Tightened Its Grip on Global Finance**. Princeton University Press.
- Zarate, J. C. (2013). **Treasury's War: The Unleashing of a New Era of Financial Warfare**. PublicAffairs.
- Gopinath, G., Boz, E., Casas, C., Díez, F. J., Gourinchas, P. O., & Plagborg-Møller, M. (2020). Dominant currency paradigm. **American Economic Review**, 110(3), 677-719.